

July 22, 2026

The Honorable Donald J. Trump
President of the United States

متن طولانی فارسی در زیر

CC: The Honorable JD Vance, Vice President of the United States
The Honorable Marco Rubio, Secretary of State

Mr. President,

I know my letters may simply be archived at the White House, and perhaps no one in your Administration has had time to read my book, "Mr. Ayatollah, Tear Down This Constitution," which includes our Road Map, "Iran and the West," and many Cyrus Force letters to the White House.

But I am certain America's intelligence community knows the Constitution of the Islamic Republic and understands that the regime's institutional hostility toward America is rooted in the political system created by that Constitution. Presidents may change, negotiations may begin and collapse, and wars may start and stop, but until Iranians themselves are given the opportunity to change that system through a freely elected Constituent Assembly, the root of the conflict will remain.

As I wrote on July 18, powerful interests have influenced American policy toward Iran for decades. But today my greatest concern is no longer political lobbying or even the disgraceful Iranian "opposition" abroad, which many Iranians mockingly call the "Com-position."

For nearly fifty years, competing factions have offered Washington their own preselected leader, transitional government, council, flag, or constitution. Monarchists promote Reza Pahlavi. The MEK promotes Maryam Rajavi. Hundreds of smaller groups promote themselves.

My answer to all of them is simple:

IT'S THE CONSTITUTION, STUPID!

Let the Iranian people decide their own future.

If Reza Pahlavi has the support of the Iranian people, let him prove it through free elections. If the MEK has popular support, let the ballot box decide. Let republicans, monarchists, secularists, religious citizens, Kurds, Baluch, Azeris and every other political and social force present their programs to the people.

America should not choose Iran's next ruler. America should support the right of Iranians to choose for themselves.

Mr. President, my greater warning today concerns the war itself.

If bridges, roads, railways, power plants, refineries, ports and water systems are systematically destroyed, what will remain for the Iranian people after the war?

Is someone planning the “Yemenization” of Iran—a country divided among rival armed forces, regional authorities, foreign-backed factions and a government that controls only part of its own territory?

If that is anyone’s plan, they have misread Iran and its history.

IRAN WILL NEVER BECOME YEMEN.

But Iran does not have to become Yemen to be devastated for generations.

Do not destroy Iran in order to change its government.

Bridges did not write the Constitution of the Islamic Republic. Power plants do not chant “Death to America.” Roads and railways are not America’s enemies. The Iranian people are not America’s enemies.

Attack the root of the problem politically, not the foundations of the country physically.

For nearly half a century, the battlefield has been the Persian Gulf, sanctions, missiles, proxies and war.

CHANGE THE BATTLEFIELD FROM THE PERSIAN GULF TO THE CONSTITUTION.

Support the Iranian people’s right to demand a Constituent Assembly inside Iran and write their own future Constitution.

The choice should not be between preserving the Islamic Republic and destroying Iran.

There is another path:

Let the people of Iran decide.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

Autor: Mr. Ayatollah, Tear Down This Constitution

****ایرانیان آمریکایی،****

متن فارسی زیر، مبنای نامه امروز من به رئیس‌جمهور ایالات متحده است. نسخه انگلیسی آن باید به کمتر از ۴۰۰۰ کاراکتر خلاصه شود تا بتوان آن را از طریق وب سایت کاخ سفید ارسال کرد. نسخه انگلیسی نامه همچنین برای اطلاع عموم در وبسایت سایروس فورس منتشر خواهد شد

www.CyrusForce.org

بیست و دوم جولای ۲۰۱۶

جناب آقای رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ

رونوشت

جناب آقای جی.دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده

جناب آقای مارکو روبریو، وزیر امور خارجه ایالات متحده

آقای رئیس‌جمهور،

می‌دانم که نامه‌های من احتمالاً در آرشیو کاخ سفید بایگانی می‌شوند و شاید هیچ کس در دولت شما فرصت نکرده باشد کتاب من، «آقای آیت‌الله، این قانون اساسی را فرو بریز»، را بخواند؛ کتابی که مجموعه‌ای از «نقشه راه»، نوشته «ایران و غرب» و بسیاری از نامه‌های سایروس فورس به کاخ سفید را در خود جای داده است.

اما یقین دارم دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا از محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی کاملاً آگاه‌اند. آنان بهتر از من می‌دانند که دشمنی سازمان یافته حکومت جمهوری اسلامی با آمریکا تنها محصول اختلاف بر سر یک رئیس‌جمهور، یک رهبر، برنامه هسته‌ای، موشک یا تحریم نیست. ریشه این دشمنی در ساختار و مأموریتی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهاده شده است. تا زمانی که ملت ایران در داخل کشور، از طریق یک مجلس مؤسسان واقعی و آزاد، فرصت تغییر این ساختار را پیدا نکند، ممکن است چهره‌ها عوض شوند، مذاکرات آغاز و متوقف شوند، جنگ‌ها شعلهور و خاموش شوند، اما ریشه بحران باقی خواهد ماند.

همان‌گونه که در نامه ۱۸ جولای نوشتم، نیروهای مختلفی سال‌هاست بر سیاست آمریکا در قبال ایران و خاورمیانه اثر گذاشته‌اند. من معتقدم در تاریخ معاصر آمریکا، آیزنهاور با هشدار درباره مجتمع نظامی - صنعتی، ریگان با ایستادگی در برابر تفکر مدیریت دائمی جنگ سرد، و شما با به چالش کشیدن بسیاری از سیاست‌های تثبیت شده، هر یک به شکلی با این تفکر مقابله کرده‌اید.

اما این نامه بیش از آنکه برای آموزش سیاست خارجی به دولت آمریکا نوشته شده باشد، فریادی است خطاب به جامعه سیاسی ایرانیان خارج از کشور؛ جماعتی که بسیاری از مردم ایران دیگر با طنزی تلخ آن را نه «اپوزیسیون»، بلکه «قمپوزیسیون» می‌نامند.

سال‌ها پیش در سیاست آمریکا جمله معروفی بود: مسئله اقتصاد است، احمق

اگر امروز قرار باشد کسی وارد صدها حزب، جبهه، گروه، انجمن، شورا، مهستان، کنگره، تلویزیون، پادکست و محفل سیاسی ایرانیان خارج از کشور شود، شاید لازم باشد تنها یک جمله را بر دیوار همه آنها بنویسد:

مسئله قانون اساسی جمهوری اسلامی است، احمق

نزدیک به نیم قرن گذشته است. هنوز هر گروهی برای ایران یک رهبر آماده کرده، یک دولت انتقالی در جیب دارد، یک قانون اساسی نوشته، یک پرچم انتخاب کرده و برای مردمی که در ایران زندگی می‌کنند تعیین تکلیف می‌کند. گویی هشتاد و چند میلیون ایرانی صغیرند و باید منتظر بمانند تا چند نفر در واشنگتن، لس‌آنجلس، پاریس، لندن یا آلبانی برای آینده آنان تصمیم بگیرند.

یک طرف پنجاه سال است با نام و تشکیلات و رهبری تغییرناپذیر خود زندگی می‌کند. طرف دیگر نیز نزدیک به نیم قرن است نام یک خاندان را به عنوان پاسخ همه مشکلات ایران عرضه می‌کند. میان این دو نیز صدها گروه کوچکتر متولد شده‌اند که گاهی تمام اعضای یک «حزب» «جبهه ملی»، «شورا»، «کنگره» یا «ائتلاف» را می‌توان دور یک میز شام نشاند، اما هر کدام خود را نماینده ملت ایران می‌دانند.

مشکل من حتی وجود این گروه‌ها نیست. در یک جامعه آزاد، هرکس حق دارد حزب تشکیل دهد، پادکست بسازد، خود را رهبر بداند یا حتی رؤیای پادشاهی و ریاست‌جمهوری ببیند. فاجعه از جایی آغاز می‌شود که این افراد، به جای مطالبه حق ملت ایران برای انتخاب آزادانه آینده خود، می‌خواهند خود را به دولت‌های خارجی به‌عنوان «آلترناتیو آماده» بفروشند.

من از دولت آمریکا انتظار ندارم آینده ایران را تعیین کند. برعکس، تمام آنچه سال‌ها گفته‌ام این است که آمریکا نباید برای ایران شاه، رئیس‌جمهور، رهبر یا دولت انتقالی انتخاب کند.

فقط صدای ملت ایران را برای تشکیل مجلس مؤسسان تقویت کنید

اگر رضا پهلوی واقعاً محبوب اکثریت مردم ایران است، مجلس مؤسسان و انتخابات آزاد بهترین فرصت برای اثبات آن است. اگر مجاهدین خلق پایگاه مردمی دارند، صندوق رأی بهترین داور است. اگر جمهوری‌خواهان، سلطنت‌طلبان، کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها، فارس‌ها، مذهبی‌ها یا سکولارها برنامه‌ای برای آینده دارند، آن را در برابر مردم عرضه کنند.

چرا قمپوزیسیون از همین یک جمله ساده فرار می‌کند؟

«بگذارید مردم ایران تصمیم بگیرند»

آقای رئیس‌جمهور،

نگرانی بزرگ‌تر من امروز دیگر فقط این قمپوزیسیون نیست. نگرانی من سرنوشت خود ایران است.

اگر جنگ ادامه پیدا کند، اگر پل‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن‌ها، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، بنادر، تأسیسات آب و دیگر زیرساخت‌هایی که نسل‌ها برای ساختن آنها زحمت کشیده‌اند یکی پس از دیگری نابود شوند، باید پرسید پایان این راه چیست؟

آیا قرار است ایران به کشوری تبدیل شود که دولت‌ش در یک نقطه، مدعی حکومت باشد، یک نیروی مسلح بخش دیگری را در اختیار داشته باشد، گروه‌های قومی و منطقه‌ای هرکدام قلمرو خود را اداره کنند و قدرت‌های خارجی نیز هرکدام از یک طرف حمایت کنند؟

آیا کسی رؤیای «یمنی‌سازی ایران» را در سر دارد؟

اگر چنین تصویری وجود دارد، پاسخ من روشن است: کور خوانده‌اید

ایران هرگز یمن نخواهد شد

این سرزمین هزاران سال پیش از پیدایش بسیاری از مرزهای سیاسی امروز وجود داشته است. ایران ممکن است حکومت‌های بد دیده باشد، اشغال شده باشد، انقلاب و جنگ و استبداد را تجربه کرده باشد، اما هویت تاریخی آن را نمی‌توان با بمباران، تحریم یا طراحی اتاق‌های فکر از میان برد.

و طنز تاریخ آنجاست که حتی یمن نیز در بخش‌هایی از تاریخ و فرهنگ خود پیوندهای عمیقی با جهان ایرانی داشته است. بنابراین کسانی که تصور می‌کنند می‌توانند با نابودی زیرساخت‌های ایران، کشوری هشتاد و چند میلیونی را به مجموعه‌ای از مناطق متخاصم تبدیل کنند، نه ایران را شناخته‌اند و نه تاریخ را.

اما اینکه ایران «یمن نخواهد شد» به این معنا نیست که جنگ نمی‌تواند میلیون‌ها ایرانی را به خاک سیاه بنشانند. یک کشور می‌تواند تجزیه نشود و در عین حال برای چند نسل ویران شود.

به همین دلیل هشدار من امروز ساده است: ایران را برای تغییر یک حکومت ویران نکنید

پل‌ها و نیروگاه‌ها قانون اساسی جمهوری اسلامی را ننوشته‌اند. مردم عادی ایران دشمن آمریکا نیستند. جاده‌ها و راه‌آهن‌ها شعار «مرگ بر آمریکا» نداده‌اند. مشکل را در جایی هدف قرار دهید که مشکل از آنجا آغاز شده است: ساختار سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی

و خطاب به قمپوزیسیون خارج از کشور نیز می‌گوییم: اگر واقعاً نگران ایران هستید، دست از فروش رهبر، دولت موقت، شورای انتقالی و نسخه‌های از پیش نوشته شده بردارید. به جای مسابقه برای نشستن بر صندلی قدرت، یک بار هم که شده پشت سر یک مطالبه ملی بایستید: تشکیل مجلس مؤسسان آزاد در داخل ایران، به دست مردم ایران و برای نوشتن قانون اساسی آینده ایران

راه جلوگیری از یمنی‌شدن ایران، ساختن یک یمن دیگر از طریق جنگ نیست.

راه آن بازگرداندن حق تعیین سرنوشت به ملت ایران است